

آیا انتخابات اخیر آزاد بود؟ همراهان را چه میشود!

فرامرز دادور

جمشید کوثری



سوال مهم در اینجا این است که اپوزیسیون مدعی عبور از نظام حاضر چگونه میبایست به این واقعه تاریخی برخورد نماید. آیا میتوان هر قدم موثر و حساب شده از طرف مردم را که هنوز تا هدف اصلی که برچیدن بساط این نظام ارتجاعی بوده، فاصله زیادی دارد را، نه فقط یک حرکت تاکتیکی موفقیت آمیز، بلکه آنرا، حتی یک "پیروزی" اعلام نمود.

تا قبل از روز انتخابات، بیشتر کوشندگان راه آزادی و دموکراسی و از جمله نویسندگان این سطور بر این نظر بودیم که علی رغم آزاد نبودن انتخابات و پیشاپیش تعیین شدن تعداد محدودی از خودمانیها و دست اندرکاران متعهد به نظام از طرف حاکمان رژیم به مثابه "کاندیدهای" ریاست جمهوری، عمدتاً بخاطر عدم وجود یک اپوزیسیون قدرتمند و مورد قبول بخش گسترده ای از مردم ایران که حامل اساسیترین مطالبات مردم (ب.م. آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی/اقتصادی) باشد، بدرستی از صدور بیانیه های رهنمود دهنده از خارج خودداری گردد. مردم با اتکا بر منطق برخاسته از مجموعه مولفه های موجود در شئون زندگی در داخل کشور، خود تصمیم گرفتند و خواهند گرفت که در انتخابات و سایر فرصتهای تاریخی چگونه شرکت نموده، در صورت تصمیم به عدم تحریم، با انتخاب مصلحت گرا ترین فرد ممکن از میان "کاندیدهای" تحمیلی (که در این مقطع حسن روحانی بود) مخالفت خود را با حاکمان اصلی نظام و نمایندگان سمبولیک آنها نشان دهند. امکاناً یکی دیگر از دلایل برای انتخاب شخصیتی میانه روتر در مقایسه با دیگر دستچین شدگان، وضعیت وخیم اقتصادی و ارتباط آن با تحریمها از طرف قدرتهای غربی است که تصور میگردد باعث ایجاد زمینه های مستعدتری جهت پیشبرد مذاکرات "سازنده" در مورد سیاست اتمی و احتمالاً عادی تر شدن روابط بین المللی و نتیجتاً بهبودی در شرایط اقتصادی بشود. وجود این نوع محاسبات فکری در میان بخشهای قابل ملاحظه ای از جمعیت، البته قابل درک است. تقریباً نیمی از رای دهندگان و ۳۰ درصد از جمعیت صاحب

رای با توسل به منطق مرتبط با ویژه گیهای جامعه در این مقطع انتخاباتی، به حسن روحانی رای دادند. از طرف دیگر احتمال دارد که علی خامنه ای و طیف حاکم با توجه به بحرانی بودن شرایط سیاسی و اقتصادی و با این چشم انداز که "انتخاب" فردی عملگرا و مطیع (و البته نه رفسنجانی که در صورت انتخاب وی قطب قدرتمندی در مقابل خامنه ای تشکیل میگردید) نظام را از مخمصه کنونی نجات خواهد داد، با رضایت به "عادی تر" نمودن روند انتخابات در مرحله آخر (البته بعد از تصفیه کامل دیگران)، این انتظار را داشته باشد که روحانی صاحب بیشترین رای گشته، بر فراز این حرکت استراتژیک، با ظهور سطح محدودی از اصلاحات رقیق و توهم آور، در نتیجه به حیات این رژیم خودکامه و غیرمردمی افزوده گردد. ولی بهرحال، اکنون امید است که این حرکت انتخاباتی از طرف اکثریت رای دهندگان، رژیم را که آماده برای عقب نشینیهای تاکتیکی میباشد، در معرض اعتراضات و مبارزات دمکراسی خواهانه موثرتری به مانند آنچه که در کشورهای عربی بوده و بویژه اخیرا در ترکیه در جریان است، قرار داده، حکومتگران را به بازتر نمودن فضای سیاسی/اجتماعی وادار نماید. این را سمت گیری تحولات در آینده نشان خواهد داد.

اما سوال مهم در اینجا این است که اپوزیسیون مدعی عبور از نظام حاضر چگونه میبایست به این واقعه تاریخی برخورد نماید. آیا میتوان هر قدم موثر و حساب شده از طرف مردم را که هنوز تا هدف اصلی که برچیدن بساط این نظام ارتجاعی بوده، فاصله زیادی دارد را، نه فقط یک حرکت تاکتیکی موفقیت آمیز، بلکه آنرا، حتی یک "پیروزی" اعلام نمود. آیا میشود تا این اندازه دچار احساسات شده باشیم که بدور از خط فکری و سیاستهای تابحال حاکم در میان ما، موضعگیری دولت کانادا در رابطه با آزاد نبودن انتخابات در ایران را به باد انتقاد گرفته و آنرا "شرم آور" بدانیم و اینکه آنرا "دخالت در فرایند سیاسی ایران" معرفی نماییم. مگر در طول حیات جمهوری اسلامی و از جمله در هفته گذشته انتخابات در ایران، دمکراتیک بوده و مبتنی بر اصول انتخاباتی درج شده در بیانیه جهانی حقوق بشر انجام گرفته است که انتظار رود که از "پشتیبانی دولتها از حقوق بشر در ایران" استقبال گردد اما ارزیابی درباره چگونگی انتخابات در ایران (که موضوع اصلی در ماده ۲۱ اعلانیه جهانی حقوق بشر است) در حوزه سیاستهای قدرتهای خارجی جای نداشته باشد. پس اصلا چرا کارزارهای بین المللی مرتبط با دفاع از حقوق دمکراتیک در ایران از طرف بخشی از جمهوریخواهان، نه فقط به درستی در راستای طلب همبستگی افراد و جریانات مترقی و مستقل مردمی

در جهان، بلکه به نادرستی در جهت جلب حمایت از دول، نمایندگان پارلمانی و سیاستمداران خارجی سمت گیری داشته است. سرنوشت سیاسی جامعه ایران میبایست تنها از طرف خود مردم رقم بخورد که بدرستی نیازی به "قیم" ندارند. شاید ظهور این نوع وقایع سیاسی در ماهیت و روند فعالیتهای آزادیخواهان در خارج از کشور تاثیر صحیح کننده داشته باشد.

با اینکه در هفته گذشته اکثریت مردم بطور خلاق و سازنده در روند سیاسی ایران مداخله نموده، در ازای عقب نشینی اجباری از طرف خامنه ای و باند قدرتمند وی، به عریضتر شدن شکافهای جناحی افزودند، اما این حرکت سیاسی و موفقیت نسبی در مقابله با رژیم را تنها وقتی میتوان به مثابه "پیروزی" در راه دموکراسی تلقی نمود، که بدور از فرو رفتن در هاله توهم از قابل اصلاح بودن این نظام، مردم در خیزشهای بعدی برای تصرف فضاها و امکانات بیشتری در این جبهه، توانسته باشند که با حرکتی اعتراضی گسترده و میلیونی، برگزاری انتخابات آزاد را که در آن صورت، در واقع رفرندامی برای نفی کل نظام خواهد بود را به رژیم تحمیل کرده با تشکیل یک مجلس موسسان دموکراتیک، ساختمان جامعه آزاد، سکولار و متعهد به موازین جهانی حقوق بشر را پی ریزی نمایند. در آن زمان اعلام پیروزی و تبریک به مردم ایران معنی ژرفتری پیدا میکند. تاریخ می آموزد که سرانجام حکومتی استبدادی فرومیریزند و دموکراسی اجتماعی آینده بشریت است.

۱۹ ژوئن ۲۰۱۳

(کمیته شیکاگو)